

گفت‌وگو با هومن افاضلی درباره ناکامی مربیان بزرگ در جام جهانی

بزرگان باید راه‌های تازه پیدا کنند

-لیبی و کاپلو و برزیل به خانه برگشتند. مربیان بزرگ در این دوره چه مشکلاتی داشتند؟

همیشه این موضوع هست که وقتی مربی روی نیمکت می‌نشینند، یکسری مشکلات دارد. او نمی‌تواند بازی را خیلی تاکتیکی ببیند، بیشتر بازی را در حالت یک مقابل یک می‌بیند چون از بالا بازی را تماشا نمی‌کند و نزدیک به زمین است. مربی با هزار و یک دغدغه روی نیمکت نشسته و از تمرکز روی کلیات فاصله می‌گیرد. در واقع یکسری مسائل تمرکز مربی را پایین می‌آورد. در جریان بازی هم بیشتر بازیکنان تعیین‌کننده هستند تا مربی. مثلاً در ایران یک تعبیر غلط رایج شده. اینکه می‌گویند فلان مربی «تعویض طلایی» انجام داد. در حالی که تعویض طلایی اصلاً وجود ندارد. ببینید تعویض دست بازیکن است، نه مربی. اگر مهره‌های نیمکت خوب نباشد، اصلاً مربی نمی‌تواند تعویض خوبی بکند. اگر هم روی نیمکت مهره‌های خوبی داشته باشیم که توان تغییر شرایط بازی را داشته باشند، در صورتی که آمادگی ذهنی برای رفتن به زمین نداشته باشند، تیم و مربی را خراب می‌کنند. پس کیفیت تعویض هم بیشتر دست بازیکن است تا مربی. اگر تشخیص بدهی کدام بازیکن می‌تواند موثر باشد، یک چیز است و اینکه بازیکن با آمادگی ذهنی به زمین برود و کیفیت خوبی نشان بدهد، بحثی دیگر. در ضمن باید حواس‌مان باشد که مربی هر چقدر هم بزرگ باشد، انسان است با محدودیت‌های انسانی. فشار مطبوعات و حواشی بیرون زمین، می‌تواند کار مربی را تحت تاثیر قرار دهد.

-اهمیت این فشار مشخص است اما مربی‌ای مثل کاپلو شش میلیون یورو در سال می‌گیرد، برای تحمل این فشار که بخشی از حرفه‌اش هم هست.

کاپلو یک انسان است و نشان داده که می‌تواند فشار حرفه‌ای را تحمل کند اما او هم تحت شرایطی خاص کم می‌آورد. همیشه توی فوتبال بیشتر از مربی، بازیکن نقش دارد. از شما می‌پرسم: «لئونیس ونگال اوایل فصل داشت برکنار می‌شد اما آخر فصل دو تا جام با بایرن گرفت. آیا ونگال در طول چند ماه عوض شد که به موفقیت رسید یا بازیکنان بایرن کیفیت کارشان بهتر شده بود؟ یا مورینیو از چلسی اخراج شد ولی همین مربی با اینتر، لیگ قهرمانان را برد. آیا مورینیو در دو سال عوض شد یا مهره‌هایش بهتر شده بودند؟»

-ببینید این نمونه‌ها پذیرفتنی است اما در مورد یک موضوع خیلی حساس و عمیق، شاید نشود با دو تا مثال به نتیجه کلی برسیم. من از یک زاویه دیگر نگاه می‌کنم. در سینما یک تئوری ساده هست. اینکه اگر بازیگر بد بازی می‌کند، حتماً تقصیر کارگردان است اما اگر خوب نقش‌اش را پیاده کند هم خودش خوب کار کرده هم کارگردان یعنی یک نقش ویژه باید به سر مربی...

بله، ولی فراموش نکنید صفرهای قرارداد یک مربی، نشان نمی‌دهد که او چقدر و تا کجا می‌تواند فشار را تحمل کند. در چلسی جان تری گروهی تشکیل داد که برنامه‌شان زمین زدن مورینیو بود. در همین تیم انگلیس هم، جان‌تری با کاپلو مشکل پیدا کرده بود و بین بازیکنان چلسی و لیورپول هم اختلاف ایجاد شده بود. باید به این نکته توجه کنیم که در فوتبال

مدرن، بخشی از معادلات فوتبال آمده بیرون از زمین و دیگر نمی‌توان اتفاقات داخل زمین را فقط در همان مقیاس بررسی کرد. فشار روی مربیان جام جهانی در دهه‌های گذشته اصلاً در این حد نبود. البته این تغییرات اجتناب‌ناپذیر است. چون رسانه‌ها فوتبال را به اینجا و شکل جذاب امروزی‌اش رسانده‌اند و همین عامل جذابیت‌ساز، فشار را هم آنقدر زیاد کرده که کار برای مربی و بازیکن خیلی سخت شده است.

-شما در فوتبال مدرن، تا چه اندازه مربی را مسلط بر سرنوشت‌اش می‌دانید؟

مساله این است که تفاوت‌ها در فوتبال امروز رسیده به یک سانت و یک ثانیه. شما اگر تیمت را خوب آماده کنی، به نظر من ۴۰ درصد کار دست خودت است. ۴۰ درصد بستگی دارد به کیفیت کار تیم و کادر فنی حریف و گروه دآوری هم ۲۰ درصد روی سرنوشت بازی تاثیرگذارند. داوران همیشه تاثیرگذار بوده‌اند اما قبلاً اختلاف کیفی آلمان و مراکش آنقدر زیاد بود که داور هر چقدر هم بد سوت می‌زد، آلمان برنده بیرون می‌آمد، اما حالا سرنوشت بازی‌ها را یک گل و یک سانتیمتر روشن می‌کند و تازه همه متوجه نقش تاثیرگذار داوران شده‌ایم. اینجاست که من فکر می‌کنم چالش تازه‌ای برای مربیان شروع شده... **-اصلاً با این فرض موافق هستید که مربیان بزرگ این جام مثل کاپلو و لیبی و سرمربی مدعی اصلی قهرمانی یعنی برزیل در کوچینگ جریان بازی خوب نبودند؟**

چرا آنها هم حتماً اشتباه داشتند اما می‌خواهم بگویم این خطاها غیرطبیعی نبود. هر کسی در هر کاری، فشار رویش زیاد شود، ظرفیتش پایین می‌آید. قبل از مربی، بازیکن است که سرنوشت را رقم زده. مربیگری تنها شغلی است که در آن باید جواب کار دیگران را بدهید. در بانک ممکن است رئیس یک روز، کار کارمندش را انجام بدهد اما مربی نمی‌تواند برود توی زمین و به جای بازیکن به توپ ضربه بزند.

-قبول اما ابزاری هست برای کنترل این وضعیت. مثلاً دونگا مقابل هلند کارش خوب بود؟

شما به عنوان مربی باید در جریان بازی به تیم کمک کنید. دونگا عکس این را انجام داد. شما در مربیگری گاهی باید حسی خاص را به تیمت انتقال دهی، درحالی‌که خودش حس دیگری داری. مثلاً شاید ریلکس باشی اما چون فکر می‌کنی بازیکنان حریف را دست‌کم گرفته‌اند، باید به آنها استرس بدهی یا برعکس. این هنر مربیگری است و اگر یک مربی خودش باعث استرس تیمش شود، بدترین خطای ممکن را مرتکب شده. دونگا نیمه دوم کنار زمین جوری رفتار می‌کرد که باعث شد تیمش علیه داور بازی کند، نه علیه هلند.

-در مورد ملو چطور؟ نمی‌توانست پیش‌بینی کند به دلیل پایین بودن آستانه تحریک این بازیکن، ممکن است کارت قرمز بگیرد و بهتر است تعویض شود؟

نه نه مورد ملو، نه. اینجا دوباره می‌رسیم به اما و اگرهای بدون جواب فوتبال. شاید ملو تا آخر بازی در زمین می‌ماند و هیچ اتفاقی هم نمی‌افتاد. شما به عنوان سرمربی اگر خودت استرس داشته باشی، نمی‌توانی خوب تصمیم بگیری. دونگا اگر استرس نداشت شاید بازیکن و تیمش را آرام می‌کرد و برزیل در جریان بازی می‌ماند. من همیشه فن بومل را مثال می‌زنم که

گزارش روی

در روزهایی که جام جهانی وارد حساس‌ترین مراحل خود شده و تمرکز تمام فوتبالی‌های دنیا معطوف اتفاقات بازی‌های آفریقای جنوبی است، نقل و انتقالات در فوتبال اروپا نیز با ریتم تندتری دنبال می‌شود. پس از اینکه باشگاه بارسلونا اسم دو بازیکن مهم چند سال اخیرش تیری آنری و یایا توره را در لیست فروش قرار داد، چندین تیم مطرح اروپا وارد رقابت برای خرید این دو بازیکن شدند. آنری که احتمالاً رهی امریکا خواهد شد اما یایاتوره که بارها اعلام کرده بود دوست دارد روزی کنار برادرش کولو بازی کند، به این آرزویش رسید و با عقد قراردادی چهارساله به مبلغ ۲۴ میلیون یورو راهی منچسترسیتی شد. این اما تنها خرید باشگاه ترومنند جزیره نیست. آنها پیش از توره، دایوید سیلوا هافبک والنسیا و بواتنگ دفاع چپ را خریده بودند و با جیمز میلنر پدیده آستون ویلا هم در حال مذاکره هستند. من‌سیتی حتی کادر فنی‌اش را هم می‌خواهد تقویت کند.

آنها با دیوید پلات مهاجم گلزن انگلیس در اوایل دهه ۹۰ مذاکراتی داشته‌اند و به احتمال زیاد تا اواخر هفته جاری پلات به عنوان دستیار مانچینی معرفی خواهد شد. تیمی که فصل گذشته با وجود تمام واخرچی‌های مالک عرب‌نژادش خود نتوانست مقامی بهتر از پنجمی لیگ جزیره را به دست بیاورد، این بار تنها می‌خواهد به لیگ قهرمانان برسد، بلکه شاید در صورت نرسیدن دست منچسترسیتی به قهرمانی لیگ برتر، مانچینی هم مثل مارک هیزو اخراج شود. تیم دوم شهر منچستر تا اینجا مهم‌ترین خریدها را در بازار تابستان فوتبال اروپا انجام داده و این چیزی است که می‌تواند باعث نگرانی الکس فرگوسن شود. فعلاً که سیتی با جذب توره و سیلوا و بواتنگ هت‌تریک کرده اما شاید میلنر و تورس هم در راه باشند.

سال پنجم ■ شماره ۱۰۰۳ ■ یکشنبه ۱۳ تیر ۱۳۸۹

جام جهانی ۱۵

کنار رفتن مربیان بزرگ از جام نوزدهم، دیگر یک اتفاق نیست، یک جریان است؛ جریانی که جای بحث و نقد دارد. چرا کاپلو با آن باخت تاریخی کارش در جام نوزدهم به پایان رسید؟ چرا لیبی اینقدر زود تسلیم شد؟ چرا برزیل دونگا با ناتوانی محض از جام بیرون رفت؟ هیتسفلد و کرش و اریکسون هم زود به خانه برگشتند. حداقل در مورد سه تای اول می‌توان بحث کرد. در انگلیس کاپلو متهم اول ناکامی است و نام لیبی در کنار کانائوارو به عنوان مسببان اصلی سقوط ایتالیا دیده می‌شود. هومن افاضلی در این گفت‌وگو بیشتر روی عواملی دست گذاشته که احتمال خطای مربیان بزرگ را افزایش داده است. این بحث می‌تواند ادامه پیدا کند تا برسد به جزئیات کار کاپلو، لیبی و دونگا در جام جهانی.



-در مورد کاپلو هنوز نکته‌های زیادی مانده. من خودم طرفدار آلمان هستم اما اگر گل لمپارد قبول می‌شد، انگلیس دو گل را در یک دقیقه جبران کرده بود و تیمی در این وضعیت راه هم نمی‌شود راحت شکست داد. شانس انگلیس در آن صورت خیلی زیاد می‌شد و شاید حالا همه دنیا از کاپلو تعریف می‌کردند.

-اگر انگلیس آن بازی را می‌برد، باز استراتژی کاپلو جای نقد داشت. یواخیم لو در مصاحبه بعد از بازی‌اش گفت ما می‌خواستیم تری را به سمت زمین خودمان بکشیم تا از فضای پشت سرش استفاده کنیم. -این خیلی موضوع واضحی بود. انگلیس در سیستم ۲-۴-۴ فقط یک هافبک دفاعی یعنی گرت بری را جلوی چهار تا دفاع داشت که او هم ترک پستی می‌کرد. آن هم جلوی آلمانی که سرعت گردش توپ را در زمین حریف

حکایت روی

یک پناhtی کار را خراب کرد

تقدیر علیه آفریقا

قاره آفریقا تنها یک پناhtی با خلق دوره‌ای تازه در فوتبال فاصله داشت؛ دوره‌ای که یک تیم از قاره سیاه به جمع چهار تیم برتر جام جهانی برسد. کاری که نه‌ از کامرون ۱۹۹۰ برآمد، نه نیجریه ۱۹۹۴ موفق به انجامش شد و نه سنغال ۲۰۰۶. -این غنا که یکی از بهترین تیم‌های تاریخ آفریقا بود با پناhtی‌ای که بهترین بازیکنش آساموا جیان در دقیقه ۱۲۰ خراب کرد، کارش به ضربات پناhtی کشیده شد. این عکسی



پاورانش **۱۵** رستگ کاریبو- ساکرت

برزیل در دام تفکرات نادرست دونگا

وسلی اشتایدر باعث شد تلاش چهارساله دونگا در هدایت تیم ملی برزیل بدون نتیجه تمام شود. شکست دو بر یک برزیل در حالی برای برزیل رقم خورد که در تمام تیم می‌شد تاثیرات دونگا را- چه مثبت و چه منفی- دید. ۴۵ دقیقه اول بازی با دفاع بی‌نقص و جایگیری خوب بازیکنان این تیم همراه بود. بعد از اینکه رویینیو در کمتر از ۱۰ دقیقه توانست تیمش را جلو ببرد،از، همه چیز همان طور که دونگا می‌خواست، داشت اتفاق می‌افتاد. پرس و بارگیری بسیار خوب هافبک‌ها نمی‌گذاشت هلندی‌ها حتی به دروازه جولیو سزار نزدیک شوند و در آن سو مهاجمان هر لحظه منتظر بودند تا اختلاف را برای تیم‌شان بیشتر کنند. حتی در ابتدای نیمه دوم هم شرایط مثل نیمه اول بود و هلندی‌ها نمی‌توانستند برای خودشان موقعیت خلق کنند اما ۱۰ دقیقه بعد اشتباه فیلیپه ملو باعث شد همه چیز تغییر کند. گل به خودی برزیلی‌ها باعث شد دینامیک بازی هلند بالا برود. حالا دیگر روبن، فن پرسی و اشتایدر در موقعیت گل قرار می‌گرفتند و هلندی‌ها روی یک کرنر توانستند گل برتری را بزنند و ژولیو سزار هم هیچ تلاشی برای گرفتن توپ نکرد.

واقعیت این است که هر دو گل هلند با استفاده از استراتژی توپ‌های مرده چه در دفاع و چه در حمله به ثمر رسید. این استراتژی همیشه در تیم برزیل تحت رهبری دونگا مورد استفاده بوده اما مقابل هلند به قیمت باخت‌شان تمام شد. اشتباه دیگر دونگا که باعث شد تیمش در این بازی شکست بخورد به ماه گذشته برمی‌گردد؛ وقتی که لیست نهایی ۲۳ نفره بازیکنان برزیل اعلام شد و فیلیپه ملو بعد از یک فصل کاپوسوار در یوونتوس در این لیست قرار داشت. محلات و روزنامه‌های ورزشی از برزیلی از حضور این بازیکن در لیست ایراد می‌گرفتند و فیلیپه ملو با تک‌تک ژورنالیست‌های مطرح برزیلی درگیر شد. این واقعیت خود نشان می‌دهد که این بازیکن تسلط درستی روی اعصابش در موقعیت‌های بحرانی ندارد. او با اخراجش در این بازی نشان داد می‌تواند تحت فشار به بازیکنی ضدتیمش تبدیل شود. ملو تنها نمونه‌ای از کل مجموعه است. این بازیکن در شرایطی که تحت فشار نبود وظایفش را عالی انجام می‌داد. در دفاع ستاره‌های هلند را مهار کرده بود و در حمله حتی پاس گل هم داد ولی وقتی تحت فشار قرار گرفت بدترین بازی ممکن را انجام داد. این تکه‌ای از کل بازی تیم ملی برزیل بود. وقتی این تیم دو بر یک عقب افتاد هنوز ۱۵ دقیقه وقت برای جبران وجود داشت. دونگا می‌توانست با یک تغییر در زمین شرایط را به نفع خودش برگرداند. اما روی نیمکت چه کسانی نشسته بودند؟ تنها مهره هجومی‌ای که دونگا با خود به آفریقای جنوبی برده بود نیلمار بازیکن وپارثال بود که تعویض‌اش با لئوئیس فابیانو کمک می‌تیم نکرد. شاید خود دونگا هم در آن شرایط فهمید که چرا منتقدان به لیست ۲۳ نفره تیمش ایراد می‌گرفتند. به غیر از همه اینها دونگا ثابت کرد وقتی تیمش عقب می‌افتد هیچ طرح خوبی برای جبران ندارد. این تیم برای اولین بار در طول این تورنمنت عقب افتاد و آنها به جای اینکه فکری برای بهبود اوضاع بکنند، وقت را برای جبران از دست دادند در حالی که هلند حتی می‌توانست گل سوم را هم بزند که ناپاورانه موقعیت سه به تک از دست رفت. موقعیت‌های نصفه تیم‌های هم که به دست می‌آمد (مثل کرنر آخر بازی) به قدر کافی جدی نبود.

وقتی داور ژاپنی بازی نیشیمورا سوت پایان بازی را زد دیگر همه مطمئن شدیم که فرصت برای برزیل تمام شده و حذف زودهنگام برزیل را از مسابقات باور کردیم. بعد از این مسابقه دونگا در مصاحبه‌ای گفت: «همه می‌دانستیم من تنها برای چهار سال در این تیم می‌مانم.» که این اصلاً توضیح درستی برای این شکست نیست. ۴۶ درصد از خوانندگان این روزنامه دونگا و تصمیمات نادرستش را دلیل اصلی ناکامی تیم‌شان می‌دانند.

پیشگامان

■ **خافگیبری بزرگ**



گازتا تا- ایتالیا: پیروزی هلند آنقدر غیرمنتظره بود که تیتیر «چه سورپریز» هیچ کس را خافگیبری نمی‌کند. گازتا نوشته در حالی که همه روی برزیل به عنوان مدعی اول قهرمانی حساب می‌کردند، هلند به راحتی این تیم را شکست داد و دونگا را از جام بیرون فرستاد. شاید ایتالیایی‌ها از این خوشحال هستند که دیگر برزیل نمی‌تواند تعداد قهرمانی‌هایش را به عدد شش برساند و از آنها زیاد فاصله بگیرد. عنوان «سامبا اشتایدر» هم اشاره دارد به درخشش به‌یادماندنی هافبک هلند مقابل برزیل. چهار سال پیش در همین مرحله زین‌الدین زیدان آنقدر مقابل برزیل خوب بازی کرد که خیلی‌ها پس از صعود فرانسه نوشتند: «برزیلی‌ترین بازیکن زمین زیدان بود، نه رونالدو و رونالدینیو و کاکا.» این بار هم اشتایدر با چنین تعریف و تمجیدهایی مواجه شده است.



از اشو برزیل خلاص شدیم
مارکا- اسپانیا: همان قدر که بازی دیشب با پاراگوئه، مورد توجه روزنامه‌های اسپانیا قرار گرفته، به حذف برزیل هم پرداخته شده است. مارکا با چاپ دو عکس متفاوت از کاکا و ویا، به وداع ستاره برزیل با جام جهانی و ادامه کار مهاجم گلزن قرمزها اشاره کرده است. ترکیب اسپانیا در بازی دیشب و چند خبر مهم از اردوی این تیم نیز روی جلد رفته اما تیتیر یک هم مربوط می‌شود به برزیل: «خلاص شدن از شر برزیل در فینال». مثل اینکه اسپانیایی‌ها با حذف برزیل، شانس بیشتری برای خود قائل هستند که بتوانند جام جهانی را برای نخستین بار فتح کنند. از تیتیر مارکا می‌توان فهمید چقدر خوشحال هستند.

■ **شخصیت ما**



ولکسز- هلند: در حالی که اشتایدر روی جلد روزنامه‌های کشورهای مختلف رفته، این روزنامه هلندی ترجیح داده تصویر ثبت‌شده از سه بازیکن را که در شکست برزیل نقش ویژه داشتند روی جلد ببرد. درک کویت، فن بومل و آرین روبن در این عکس شادمان از پیروزی مقابل برزیل دیده می‌شوند. برخی کارشناسان پس از بازی پریشب تأکید می‌کردند فن بومل باید به عنوان بهترین بازیکن میدان انتخاب می‌شد. کویت پاس گل دوم را به اشتایدر داد و روبن هم نمایش بد نیمه اولش را در درخشش در نیمه دوم جبران کرد. شاید ولکسز کرانت با این عکس خواسته روی اهمیت کار تیمی و حفظ انسجام گروهی هلند به جای درخشش یک ستاره تأکید کند؛ چیزی که در تیتیر اول این روزنامه هم مشخص است: «شخصیت ما برزیل را حذف کرد».

■ **روز بزرگ هلند**



اکپب- فرانسه: با آغاز تور بزرگ دوچرخه‌سواری روزنامه‌های فرانسه تا حدودی تمرکزشان روی جام جهانی را کم کرده‌اند. «جهان روی جاده» عنوانی است که به آغاز تور دوچرخه‌سواری پاریس اشاره دارد، در حالی که پیروزی تاریخی هلند مقابل برزیل، تنها فضای کوچکی را در بالای جلد اکپب اشغال کرده است آن هم با تیتیر «روز بزرگ هلند». راستی چهار سال پیش در همین مرحله و همین روزها بود که فرانسوی‌ها تیم پرستاره برزیل را برده بودند و شادی‌شان را همه‌جوره نشان می‌دادند.